

■ وعده ما به هنرمندان و علاقمندان تئاتر این بود که سیر و سیاحتی در هنر نمایشی کشورهای مختلف داشته باشیم و هر شماره، تئاتر منطقه‌ای را در محضر صاحب نظری به گفتگو بنشینیم. در دو شماره پیش مهمان حرفه‌های تازه دکتر عزیزی بودیم در مورد تئاتر فرانسه و در این شماره و دو شماره آتی تئاتر در ژاپن، هند و چین را در گفتگو با استاد ناظرزاده کرمانی مرور خواهیم کرد.

هنر نمایش در شرق (هند، چین و ژاپن) دارای سابقه‌ای کهن و طولانی است و ارزش و اعتبار جهانی آن نیز بالاست و شایسته بررسی و پژوهش. ولیکن در این زمینه به زبان فارسی پژوهش‌های اندکی در دسترس قرار دارد. خوشبختانه به تازگی آقای دکتر فرهاد ناظرزاده کرمانی، استاد ادبیات و هنرهای نمایشی دانشکده هنرهای زیبا - دانشگاه تهران - سه کتاب درباره ادبیات نمایشی شرق (هند، چین و ژاپن) تألیف نموده و به چاپ سپرده است و از هر کدام

از این سه کشور نمایشنامه‌های نمونه‌ای نیز ترجمه و ضمیمه کرده است. امیدواریم که این مجموعه، بزودی از سوی «انتشارات انجمن نمایش» منتشر شود.

بخش اول گفتگو با دکتر ناظرزاده به نمایش در ژاپن اختصاص دارد که ضمن تشکر از ایشان - که علیرغم ضیق وقت و کثرت مشغله، وقتشان را در اختیار ما گذاشتند - توجه شما را به آن جلب می‌کنیم.

●

■ آقای دکتر ناظرزاده، اگر صلاح بدانید قدری به عقب برگردیم و از ریشه یا ریشه‌های هنر نمایشی در ژاپن آغاز کنیم. اصولاً تئاتر در ژاپن چطور پدید آمده و تئاتر اصیل و سنتی ژاپن چه شکل و شمایل داشته است؟

● ریشه هنرهای نمایشی در ژاپن - و تا آنجایی که من می‌دانم در همه کشورهای جهان - در کنش و واکنش نسبت به اندیشه‌ها، باورها و کردارهای دینی و به صورت «آیین و مناسک» دینی و ویژه‌ای جلوه کرده است. این «آیین و مناسک» نمایشی - دینی، غالباً با چند عنصر مهم همراه بوده است:

۱. رقص (حرکات موزون).

۲. سرود (تک‌خوانی: همسرایی).

۳. موسیقی (ادوات ضربی، بادی، سیمی).

۴. پوشش بدن و صورت با پارچه‌ها، لوازم چهره‌پردازی و صورتکها - ماسکها.

هنرهای اصیل و سنتی نمایش در ژاپن، هنوز این عناصر اصلی «آیین و مناسک دینی - نمایشی» را در خود حفظ کرده است.

پیدایش هنر نمایش با دو مسئله حیاتی به صورتی رمزآمیز - ارتباط و مناسبت داشته است:

۱. بازرایی خورشید - حضور نور در زمین و آسمان.

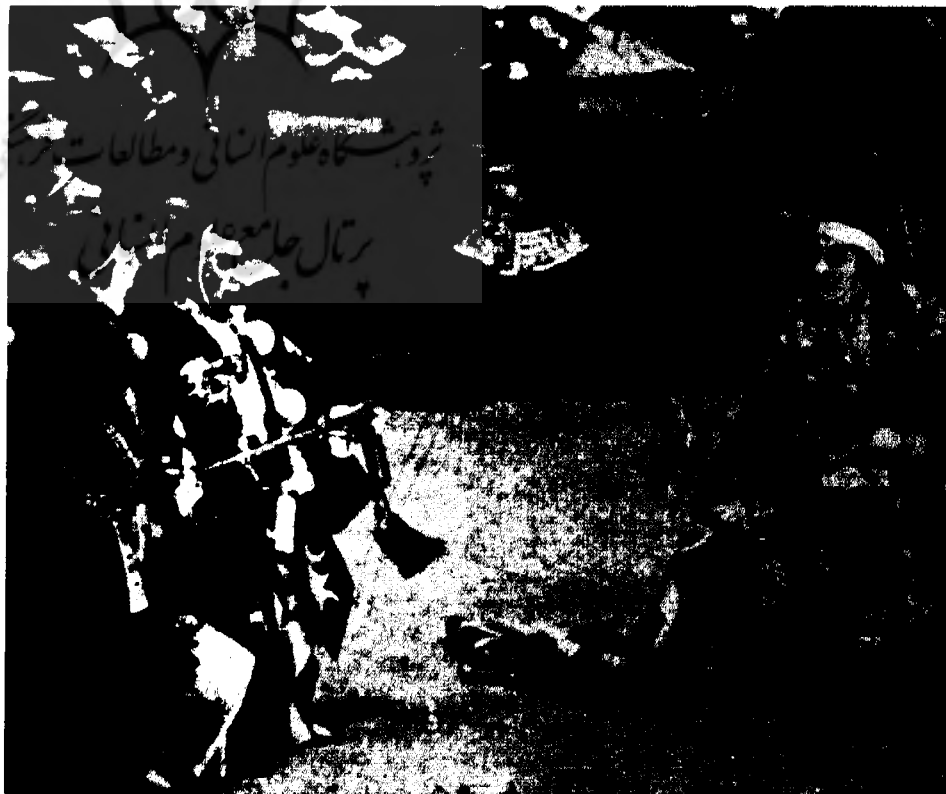
۲. باروری زمین - کشت و برداشت برنج.

در اسطوره‌های ژاپنی آمده است که «رقاصه‌های آسمانی» برای «ایزد خورشید» که در غاری پنهان شده بود به رقصی نمایشی پرداخته، ایزدان دیگر از رقص او به خنده درمی‌آیند و «ایزد خورشید» کنجکاوانه از غار بیرون می‌آید. و بدین ترتیب بار دیگر نور بر زمین می‌تابد و تاریکی زائل می‌گردد.

از سوی دیگر، رقصهای نمایشی و یا به زبان دیگر «آیین و مناسک رماندن ارواح زشت و بدکار» را ریشه دیگر پیدایش هنر نمایش در ژاپن دانسته‌اند. گویا ژاپنیهای کهن، برای نگهداشت و حاصلخیزی کشتزارهای برنج که بزرگترین خزینه خوراکی آنان بوده است - آیین و مناسک گریزاندن و رماندن «نیروهای خشکسالی و آفت» را، به صورتی نمایشی، به جای می‌آوردند. در ژاپن دو گونه هنر نمایش پدید آمده است:

هنر نمایش در ژاپن

● گفتگو با دکتر ناظرزاده کرمانی



■ تصویر / صحنه‌ای از نمایش کابوکی

۱. هنر نمایش سنتی و کهن.
۲. هنر نمایش جدید که در واکنش و با گریه‌برداری از هنر نمایش در جهان، بویژه در کشورهای غربی - به وجود آمده است.
- هنر نمایش سنتی در ژاپن سه‌گونه عمده دارد:
 ۱. نمایش «نو» (NO=NOA)
 ۲. نمایش «کابوکی» (KABUKI)
 ۳. نمایش عروسکی «بونراکو» (BUNRAKU)
- البته باید به خاطر داشت که این گونه‌های نمایشی از گونه‌های نمایشی کهن‌تری پیدا شده و یا از آمیختن آنها آفریده شده‌اند.
- آنچه در تئاتر ژاپن به نمایش «نو» مشهور است، چگونه نمایشی است و وجوه مشخصه آن چیست؟

● پژوهندگان هنرهای نمایشی در جهان، نمایش «نو» را حاصل نبوغ هنرمندان ژاپن و نقطه اوج هنرهای نمایشی در این کشور تلقی کرده‌اند. «نو» ویژه ژبندگان اجتماعی و فرهنگی جامعه ژاپن بوده است و مردم عادی ندرتاً با آن سر و کار داشته‌اند. نمایشهای «نو» برپایه یک «یادآوری» و یا «نمایش خاطره» و یا «بازی دوباره گذشته‌ای به یاد ماندنی» آفریده شده‌اند. به این ترتیب که «شخصیت اصلی» این نمایشها، «برهه‌ای از گذشته بسیار مهم» خود را، بار دیگر، «رویت» و «بازی» می‌کند. اصولاً این نوع نگرش نمایشی براساس تفکری «بوداگرایی» استوار است. براساس تعالیم «بودا»، امور دنیوی چه خوب و چه بد، چه زشت و چه زیبا - به مرحال شکننده و گذرانند و اصالت و دوامی ندارند. چنین تفکری بر بیشتر عناصر نمایشی «نو» سنگینی می‌کند: آنچه در گذشته روی داده است، چیزی جز حال نیست و آنچه در آینده روی می‌دهد، چیزی جز گذشته نیست: زندگی یک سره توهم است و خاطره و رؤیا...

بنابر پژوهشهای «آلنوارد پرنکو»^۱ که یکی از مهمترین پژوهندگان هنرهای نمایشی در ژاپن است، نمایش «نو» دارای عناصر و المانهای فراوانی است که نه مورد آن آنها بسیار شاخصند:

۱. رقص.
۲. موسیقی.
۳. کلام: شعر.
۴. کار پرداختهای شیوه پرداخته و پالوده و پیراسته.
۵. نمایش آیین و مناسک رسمی - دینی - درباری - جنگاوری.
۶. نمایش با شیوه‌های القایی، کنایی.
۷. حرکات، سکنت و کلام موزون، آهنگین و رسمی.
۸. تاکید در نمایش امور نامرئی و ذهنی و درونگراییانه.
۹. نمایش لحظات و لمحات عالی و روحانی که فراتر از تجربه‌های حسی و مادی می‌باشند.
- «دُنالدکین»^۲ که یکی دیگر از پژوهندگان هنر نمایش ژاپنی - به ویژه «نو» - است، براساس

ضوابط سنتی و کهن، و با نقل از منابع ژاپنی، نمایشهای «نو» را - عمدتاً بر مبنای درونمایه به پنج گروه تقسیم کرده است:

۱. نمایشهایی درباره ایزدان.
 ۲. نمایشهایی درباره جنگاوران.
 ۳. نمایشهایی درباره زنان.
 ۴. نمایشهای واقعبینانه.
 ۵. نمایشهایی درباره دیوها.
- و گویا در یک نشست نمایشی، معمولاً پنج نمایش، یک مورد از هر گروه - به اجرا درمی‌آید است.

■ نمایش «نو» به لحاظ صحنه و صحنه‌پردازی هم‌وزنی خاصی دارد یا نه، فقط به لحاظ محتوی و عناصر اجرایی...

● بله، صحنه‌های نمایش «نو» اصولاً ساده و بی‌پیرایه است. آنها اندکی از سطح تماشاگران بالاترند، نزدیک به هفت متر مربع وسعت دارند. چهار ستون سقف مرتین آنها را حمل می‌کنند. بازیگر از «گذرگاهی» که از سویی به اتاق لباس و چهارمیزداری و از سوی دیگر به صحنه متصل است، «وارد» صحنه و از آن «خارج» می‌شود. چند «درخت کاج» نیز در پس زمینه نقاشی شده‌اند. خنیاگران نیز در پس صحنه نشسته‌اند و فلوت و طبل می‌زنند. در سمت چپ بازیگران، از بالا تا پایین صحنه، دسته کوچک همسرایان سرودخوانان - قرار دارند.

برای آنکه نمایش «نو» بهتر شناخته شود، به یکی از نمونه‌های بسیار بارز و والای آن به نام «سُتباکماجی»^۳ نوشته «کوانامی کیبوت سوگو»^۴ اشاره می‌کنم.

«سُتبا کماجی» زنی زیبا و افسانه‌ای بوده که در دربار دودمان سلطنتی «هی ایان»^۵ می‌زیسته است. زیبایی، هوش و قریحه فوق بشری او سبب گردید که این شخصیت افسانه‌ای کهن، مضمون شماری از قطعات ادبی، و از جمله چند نمایشنامه «نو» قرار گیرد. گویا این زن زیبا شاعر و یا شعرشناس پرمایه‌ای نیز بوده و به طور خلاصه محاسن همه خوبان را به تنهایی داشته است. «سُتباکماجی» که در نمایشنامه‌های «نو» به صورت عجزه زشتی ظاهر می‌شود، مقطعی از زندگی گذشته خود را به یاد می‌آورد: او که به سبب زیبایی و سایر امتیازات دیگر، به ردیله غرور دچار بوده، عشاق دلخسته خود را به ویرانی و مرگ می‌کشانده است. و اینک در پیری، در ببری و تنگدستی، در چند لحظه متراکم نمایشی که روح یکی از عشاق گذشته در او حلول کرده - گذشته‌ای تلخ و جاودان را «بازنمایی» می‌کند، تا موقتاً آرامش و قرار یابد.

■ بفرمایید که تئاتر «کابوکی» چگونه تئاتری است و آیا با تقسیم‌بندی‌های موجود می‌توان آن را تئاتر رئال یا واقعه‌را تلقی کرد؟

■ نمایش «کابوکی» را حد مقایسه با «نو» -

■ هنرهای نمایشی

در ژاپن در کنش و واکنش

نسبت به اندیشه‌ها،

باورها و کردارهای دینی

و به صورت «آیین و

مناسک» دینی ویژه‌ای

جلوه کرده است.

■ در دوره جدید، در

واکنش نسبت به جریان هنر

نمایش در جهان و بویژه

کشورهای غربی، «نوسازی»

و «بازسازی» نمایشهای «نو»

و «کابوکی» در ژاپن

مورد توجه قرار گرفته است.



تصویری / رقص شیوه پرداخته در نمایش کابوکی

نمایش عامه، خوانده‌اند و از البته به واقعیت‌گرایی یا رئالیسم بسیار نزدیک است و برخلاف نمایش‌های «نو» در دربارها و بزرگخانه‌های زبندگان اجتماعی و فرهنگی جایی نداشته و ویژه شهروندان متعارف و بی‌تخصص جامعه بوده است.

در گذشته‌ای دور، «کابوکی» به وسیله زنان اجرا می‌شده و جنبه‌های هرزگی و بی‌بندبازی در آن راه داشته است. اما بتدریج جنبه‌های غیراخلاقی آن پاک گردیده و برجسته‌های هنری آن افزوده گردیده است.

«هیجان» جنگ میان شخصیت‌های «خوب» و شخصیت‌های «بد»، کارپرداختهای فراوان و لحظات خنده‌آور از ویژگی‌های نمایشنامه‌های «کابوکی» است که آن را از بعضی جهات به ملودرام نزدیک می‌کند.

■ عناصر مشخص و قطعی و به عبارتی تعیین‌کننده نمایش «کابوکی» چیست؟

● نمایش‌های «کابوکی» از ترکیب عناصری چون

۱. آواز.

۲. رقص.

۳. تردستی.

۴. بذله‌گویی و بذله‌کاری و لوده‌گری. و

۵. طرح داستانی، براساس ادبیات عامه، فولکلوریک، اسطوره‌ها و افسانه‌های قومی و نیز رویدادهای جالب تاریخی... به وجود آمده‌اند. یکی از ویژگی‌های «کابوکی» وجود عنصر رقص است. رقص تک نفره، رقص همراه با حرکات ایماهی و القایی و رقص گروهی.

یکی از صحنه‌هایی که در بیشتر نمایش‌های «کابوکی» وجود دارد، صحنه «نمایش جنگ است» که به زبان ژاپنی به آن «تاجیماواری»^۷ می‌گویند. این صحنه به کمک رقص و آواز به نمایش درمی‌آید. «تاجیماواری» ممکن است نمایشگر جنگ یک تن با یک تن، یک تن با چند تن، یا یک گروه با گروه دیگر باشد. به هرحال هنرمندان «کابوکی» پیوسته می‌کوشیده‌اند تا در اجرای این صحنه سنک تمام بگذارند.

■ تئاتر عروسکی ژاپن از عمری طولانی و شهرتی دیرینه برخوردار است. در مورد منشأ پیدایش و خصوصیات فعلی این نوع نمایش در ژاپن توضیح بفرمایید.

● ساختن و به حرکت درآوردن مهارت‌آمیز عروسکها (بونوکرا^۸) به خودی خود هنر است. بویژه اگر این عروسکها در دست لعبت‌بازانی زیردست قرار گیرند و نقش‌های انسانها را در نمایشنامه‌هایی ایفا کنند که آن نمایشنامه‌ها نیز به خودی خود، دارای ارزشهای ادبی و فلسفی فراوانی هستند و این خواسته‌ها جلگی در «بونوکرا» یا هنر «نمایش عروسکی ژاپن» تحقق

یافته است.

در سال ۱۶۸۵ میلادی، تاکه‌متوکیدایو^۹ که مشهورترین روایتگر افسانه‌های کهن ژاپنی بود، با همکاری با نمایشنامه‌نویسی به نام «چیکاماتسو مزانمون» کارگاهی را پایه‌گذاری کرد که شاید بتوان آن را «کارگاه و تالار نمایش عروسکی» نامید. «تاکه‌متوکیدایو» و «چیکاماتسو مزانمون» به ساختن عروسک و نوشتن نمایشنامه و اجرای آن همت گماشتند و از آن پس پدیده هنری - نمایشی جالبی که خاص فرهنگ نمایشی ژاپن است، روبرو تحول و تکامل گذاشت. این پدیده در سیر تکوینی و تکاملی خود گاهی نیز روبرو انحطاط گذاشته ولیکن باز از این خطر رسته است و ادامه یافته است.

«بونوکرا»، از ترکیب سه عنصر نمایشی به وجود آمده است

۱. نوازندگان «شامیزن» - «شامیزن» گونه‌ای ساز سیمی است که در هنر «بونوکرا» نقش عمده‌ای دارد)

۲. روایتگر داستان

۳. عروسک‌بازان

کار ویژه «روایتگر» داستان نمایشی، که ناگزیر باید صدای کرم و لحنی شمرده و کیرا داشته باشد. آغاز داستان، افسای شخصیتها و حرف زدن به جای آنهاست. «سه عروسک باز» عروسکها را به حرکت درمی‌آورند. سرپرست آنها، که معمولاً لباس رسمی و متشخصی به تن می‌کند، مسئول به جنبش درآوردن سر و دست راست عروسکها که مهمترین اعضای نمایشی هستند، می‌باشد. سر شخص «سرپرست عروسک‌بازان» نیز در صحنه دیده می‌شود. اما معمولاً بقیه عروسک‌بازها، از دید تماشاگران پنهانند.

عروسکهای نمایش «بونوکرا» که با استادی فراوان ساخته می‌شوند معمولاً دو سوم جثه انسانند. انعطاف و تحرک‌پذیری فراوانی دارند و برحسب نقش شخصیتی که ایفا می‌کنند، ساده و یا ظریف و پیچیده‌اند. عروسکهای پیچیده آن، درحین حرکت تغییر هیئت می‌دهند. مثلاً قادرند با چند حرکت تند و ساده از صورت انسان به شکل دیو درآیند.

به هرحال این عروسکها عمدتاً به هشت شکل ساخته می‌شوند.



۱. جنگجویان
۲. شخصیت‌های رشتکار
۳. دکانداران و کسبه
۴. عشاق دلخسته
۵. زنان و مردان: زنان و شوهران
۶. دربارها
۷. پیرزنان و پیرمردان
۸. شخصیت‌های کلیشه‌ای مضحک

■ نمایش «بونراکو» مضمون و محتوای خاصی را دنبال می‌کند؟

● بله، مضمون نمایشنامه‌های «بونراکو» شباهت زیاد به مضمون نمایشنامه‌های «کابوکی» دارد اصولاً این نمایشنامه‌ها جمله‌ای از ایشنور ادبی واحدی مایه برمی‌دارند: به این ترتیب که مضمون بیشتر نمایشنامه‌های «بونراکو» مانند نمایشنامه‌های «کابوکی» پیرامون امور و مسائل خانوادگی خصوصی و شخصی دور می‌زند. عشق، فریب، بلاهت، مردم‌آزاری، رسوایی، و اخوردگی و... البته بسیاری از نمایشنامه‌های «بونراکو» مانند نمایشنامه‌های «کابوکی»، دربارهٔ رویدادهای مهم تاریخی ژاپن است.

■ به نظر می‌رسد تئاتر ژاپن تحت تاثیر فرهنگ غرب، آرام آرام از نمایش سنتی خود فاصله گرفته و دستخوش تغییر و تحولاتی شده است. مثلاً چیزی مثل «اپرا» که در ژاپن اجرا می‌شود، پیشینهٔ سنتی در این کشور ندارد. شما این تحولات را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

● در دورهٔ جدید، در واکنش نسبت به جریان هنر نمایش در جهان و بویژه کشورهای غربی، و نیز به منظور نوسازی شیوه‌های کهن نمایشی، «نوسازی» و «بازسازی» نمایشهای «نو» و «کابوکی»، مورد توجه دست اندرکاران هنرهای نمایشی در ژاپن قرار گرفته است. مثلاً «اکامتوکیدو»^{۱۱} که بهترین نمایشنامه‌نویس تئاتر «کابوکی جدید»^{۱۲} به شمار می‌رود، به مسائل تاریخی ژاپن روی آورده است. امّا در این نمایشها دیگر از بازیگری شیوهٔ پرداخته^{۱۳}، حرکتهای ویژه، موسیقی پس‌زمینه، ادوات ضربی جوبی، و کاربرد گذرگاه برای ورود و خروج بازیگران، که ویژهٔ تئاتر سنتی ژاپن بوده است،

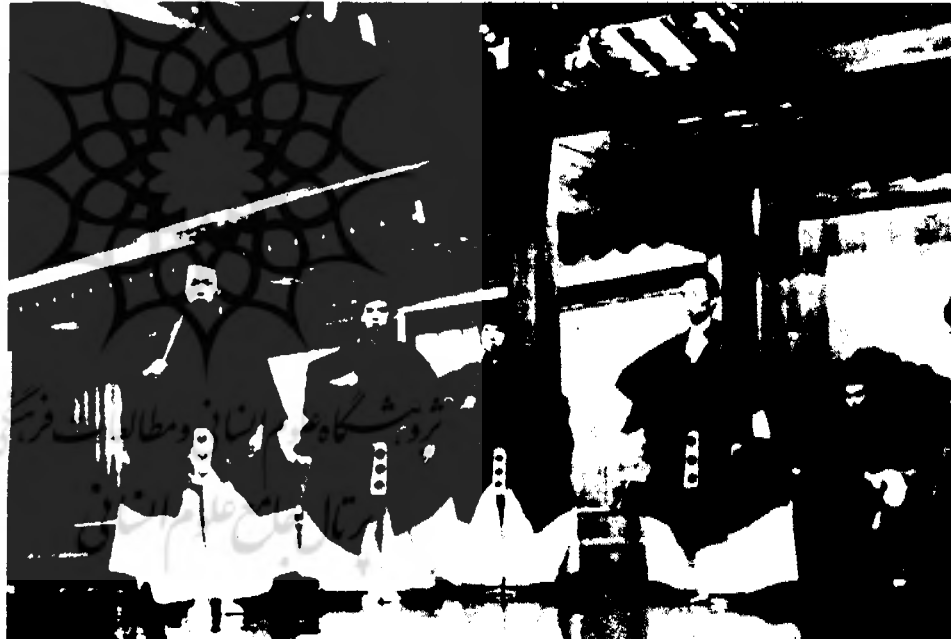
خبری نیست. کویا نمایشنامه‌نویسان جدید ژاپن، زیر نفوذ «واقعیت‌گرایی»^{۱۴} در تئاتر جهان قرار گرفته‌اند.

از سوی دیگر، با کشته‌برداری از گونهٔ «اپرا»^{۱۵} گونه‌ای نمایش سرودی - موسیقایی به نام «تاکارازوکا»^{۱۶} به وجود آمده است. «تاکارازوکا» که گونه‌ای «اپرای زن‌ها»ست جایگزین آن همه زنان هستند. در سال ۱۹۱۳ پایه‌گذاری شده و از آن زمان به صورت یکی از هنرهای نمایشی جالب ژاپنی درآمده است.

«شینگه‌کی»^{۱۷} یا تئاتر نوگرایی ژاپنی، که عالیترین نمونهٔ نفوذ تئاتر غرب در تئاتر ژاپن است، یکی از مهمترین پدیده‌های معاصر نمایشی در ژاپن به شمار می‌رود. این‌گونه نمایشی در اوائل قرن بیستم آغاز گردید و آن هنگامی بود که اجرای آثار «ایبسن»، «چخوف»، «گورکی» و «برناردشو» و... در ژاپن تأثیر فراوان به جای گذاشت و دست اندرکاران هنرهای نمایشی ژاپن، با الهام از آنها به تصنیف و اجرای نمایشنامه‌های جدیدی پرداختند.

پس از جنگ دوم جهانی، تأثیر تئاتر غرب بر تئاتر ژاپنی شدت بیشتری پیدا کرد و بر میزان کمی و کیفی کسانی که زیر نفوذ تئاتر غرب قرار گرفتند، افزوده گشت. دو نمایشنامه‌نویس بزرگ به نامهای «آبه کوبو» و «میشیما یوکیو»^{۱۸} در راستای همین تئاتر، یعنی «شینگه‌کی» بیدار شدند و آثاری تصنیف نمودند که برخی از آنان همتای ارزندهٔ تئاتر غرب به شمار می‌رود و در صحنهٔ تئاتر بین‌المللی با آنها رقابت می‌کنند.

تصویر ۳ / کاجه‌کییو



■ توضیح تصاویر

۱. صحنه‌ای از نمایش «کابوکی» - فهرست متقاضیان - نوشتهٔ نامیکی جوهمی - که یکی از نمونه‌های مهم این گونهٔ ادبی - نمایشی ژاپن به شمار می‌رود در این تصویر دو شخصیت اصلی این نمایش با هم مواجه شده‌اند

۲. رقص شیوهٔ پرداخته - در نمایش «کابوکی» - یک عنصر مهم است. در این تصویر جنگ با دیو

مشاهده می‌شود

۳. صحنه‌ای از نمایش «نو» به نام «اتسو مری» که در اواخر قرن چهاردهم تصنیف شده است. این نمایشنامه اثر «زدامی متوکییو» می‌باشد.

۴. کاجه کییو - نام یک نمایشنامهٔ «نو»ی ژاپن است که توسط «زدامی متوکییو» نوشته شده است.

- 1- LEONARD PRONKO
- 2- DONALD KEENE
- 3- SOTOBA KOMACHI
- 4- KWANAMI KIYOTSUGU, 1333-1384
- 5- HEIAN
- 6- MIME
- 7- TACHIMAWARI
- 8- BUNRAKU
- 9- TAKEMOTO GIDAYU, 1651-1744
- 10- CHIKAMATSU MOZAEMON, 1653-1725
- 11- OKAMOTO, 1872-1939
- 12- NEO-KABUKI
- 13- STYLIZED
- 14- REALISM
- 15- OPERA
- 16- TAKARAZUKA
- 17- SHINGEKI
- 18- ABE KOBO, 1924
- 19- MISHIMA YUKIO, 1925-1970